

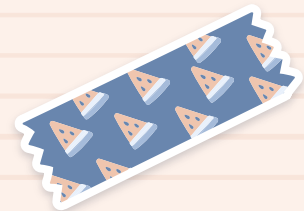
به نام خدا



تدریس درس ۹



کاری از گروه "تاگور"



فصل چهارم: نام‌ها و یارها

نام نیکو گر بماند ز آدمی به کز او ماند سرای زرنگار

معنی:

اگر نام نیکو و خوب از آدم به جا بماند بهتر از این است که خانه‌ای طلاکاری شده از او باقی بماند.

لغات:

سرای: خانه	زرنگار: طلاکاری شده	کز: مخفف که از	گر: مخفف اگر
ز: مخفف از	نام نیکو: نام خوب، نامدار	به: مخفف بهتر	

آرایه‌ها:

این بیت از سه جمله تشکیل شده / سرای زرنگار : ترکیب وصفی است
واج آرایه حرف(ن) / (ماند و بماند)جناس ناقص یا افزایشی



نوجوان باهوش

نوع نثر: ساده و روان

برگرفته از: کتاب امیر کبیر، فرهاد حسن زاده

معنی واژه به ترتیب سطرها

سر شناس: معروف، مشهور

مجالس: جمع مجلس، مکانی که گروهی در آن برای امری

جمع شوند

مکت: درنگ کردن

خرم: شاد، باطراوت

حلاوت: شیرینی

شاهد: محبوب، معشوق

لهجه: شکلی از زبان و گفتار که با نشانه هایی از زبان محلی

تکلم می شود

استعداد: آمادگی، توانایی

ارادت: دوستی از روی اعتقاد و ایمان، میل

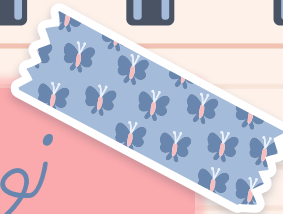
فلسفه: علم به حقایق موجودات به اندازه توانایی بشر

حکمت: دانش و معرفت

بی نظیر: مانند، بی همتا

سرشار: پر، انباشته

نامی: معروف، مشهور



محتوای درس



نوجوان باهوش، درباره قائم مقام فراهانی است که با نثری
امروزی و ساده نوشته شده است بیانگر هوش قائم مقام است
که در علوم بسیاری مهارت داشت. وی با این هوش و توانایی
های خود یک مرد مشهور و معروف در علم سیاست شد. در
درس های آشپز زاده وزیر و گریه امیر، نویسنده به ثابت قدم
بودن امیر کبیر در علم اندوزی و رسیدن به مقام نخست
وزیری، اشاره دارد. امیر کبیر در دوره صدر اعظمی (نخست
وزیری) تلاش بسیار کرده است که با احداث مدرسه های
متعدد، مردم ایران را از جهل و خرافات نجات دهد.



معنی دو بیت متن درس

شاعر: سعری

قالب شعر: غزل

بیت: به جهان خرم از آنم / که جهان خرم از اوست / عاشقم بر همه عالم / که همه عالم از اوست

جمله اول / جمله دوم / جمله سوم / جمله چهارم

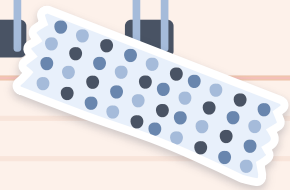
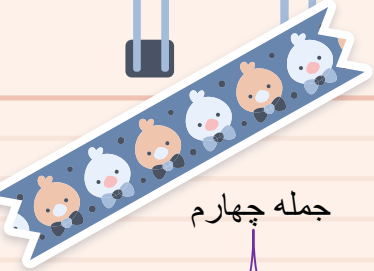
معنی: به این علت در دنیا شادمان هستم که تمام جهان هستی به خاطر خداوند، شادمان است و به این خاطر، عاشق دنیا هستم که همه جهان را خداوند، آفریده است.

نکته دستوری: جهان ← متمم / خرم (دومی) ← مسند / جهان ← نهاد / عاشق ← مسند

حذف فعل به قرینه معنوی بعد از «جهان» اولی / جهان (دومی) ← مجاز از مردم جهان و کل کائنات

تکرار ← جهان، خرم، عالم / واج آرایبی ← ه، ع، ن، ز / تعداد جمله ← ۴ جمله





بیت ۲: جمله اول جمله دوم جمله سوم جمله چهارم
 به حلاوت بخورم زهر / که شاهد ساقی است | به ارادت بکشم درد / که درمان هم از اوست

معنی: با لذت و شیرینی، زهر را می نوشم چون که، محبوب من ساقی است و از روی میل و اخلاص درد را تحمل می کنم به این خاطر که یار من، درمان کننده است.

نکته دستوری: زهر ← مفعول / شاهد ← نهاد / ساقی ← مسند / درد ← مفعول / درمان ← نهاد

حلاوت و زهر ← تضاد (طباق) / درد و درمان ← تضاد (طباق) / شاهد ← ایهام (۱- زیبارو ۲- بیننده)
 ساقی ← استعاره از معشوق و خداوند / تعداد جمله ← ۴ جمله



آشپز زاده وزیر

نوع نثر: ساده و روان

برگرفته از: کتاب امیر کبیر، فرهاد حسن زاده

معنی واژه به ترتیب سطر ها

هیاهو: غوغا، بانگ و فریاد

سکوت باغ را می شکست: کنایه از به هم زدن آرامش کار می رود

مکتب خانه: مکانی که در آن کودکان

به شیوه سنتی درس میخواندند

یک نفس: بدون توقف

دست و پا شکسته: ناقص، نا تمام

طراوت: شادابی، تازگی

تعارف: رعایت کردن ادب

خب: باشد، معمولاً به معنای تاکید به

کار می رود

کاشف: آشکار کننده، کشف کننده

خیره شد: با حیرت و بهت نگاه کرد

معلوم: آشکار

تأسف بار: باعث افسوس شدن

لب گزید: کنایه از افسوس خورد

لیاقت: شایستگی

ثابت می کنم: با دلیل معلوم می کنم

رمیده: ترسان و فراری

انیس: همدم، انس گیرنده

مونس: همدم

وجد: شادی، خوشحالی

هلهله: فریاد شادی

صدر اعظمی: نخست

وزیری

منشأ: محلّ پیدایش،

سبب

☆ هیاهوی کلاغ‌ها سکوت باغ را می‌شکست.

برف به آرامی می‌بارید. صدای کلاغ‌ها گوش محمدتقی را آزار می‌داد؛ صدای استاد را از پشت درهای بسته به سختی می‌شنید.

□ هیاهوی کلاغ‌ها سکوت باغ را می‌شکست.

معنی: سروصدای کلاغ‌ها، آرامشی را که در باغ وجود داشت، از بین می‌برد.

آرامش: سکوت باغ را شکستن ← کنایه از بهم زدن آرامش

☆ غذا را به اتاق می‌برد؛ پشت در می‌نشست و به بهانه بردن ظرف‌ها، به گفته‌های استاد گوش می‌سپرد. چون قلم و کاغذی برای نوشتن نداشت، شنیده‌ها را به کاغذ ذهن می‌نوشت و در دل تکرار می‌کرد.

آرامش: گوش سپردن ← کنایه از گوش دادن / قلم، کاغذ و نوشتن ← مراعات‌نظیر / کاغذ ذهن ← اضافه تشبیهی

(ذهن ← مشبه / کاغذ ← مشبه‌به)

کنه‌دستوری: پشت در ← قید / قلم و کاغذی ← مفعول / شنیده‌ها ← مفعول

☆ حاصل ماه‌ها پشت در نشستن و از سرما لرزیدن و دزدکی به درس گوش دادن، دانش دست و پا شکسته‌ای بود که اندک‌اندک در قلکِ ذهنش جمع شده بود.

آرایه: دزدکی به درس گوش دادن ← کنایه از پنهانی و یواشکی گوش دادن به درس / دست و پا شکسته ← کنایه از ناقص و ناتمام /

دست و پا ← مراعات‌نظیر / قلکِ ذهن ← اضافه تشبیهی (ذهن ← مشبه / قلک ← مشبه‌به)

نکته دستوری: حاصل ← نهاد / دانش دست و پا شکسته ← ترکیب وصفی / دانش دست و پا شکسته‌ای ← گروه مسندی (= دانش ←

هسته / دست و پا شکسته ← وابستهٔ پسین، صفت بیانی) / اندک‌اندک ← قید



معنی شعر صفحه ۷۱

جمله اول



بیت: دل رمیده مارا انیس و مونس شد

جمله دوم

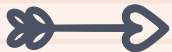
ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد

جمله سوم



معنی: ستاره زیبایی (یار) تابید و مجلس را مانند ماه روشن کرد و همراه و همدم دل عاشق و پریشان ما شد.

نکات دستوری: ستاره ← استعاره از یار، محبوب / ستاره، ماه، بدرخشید ← تناسب / تعداد جمله ← ۳ تا



برگرفته از: داستان هایی از زندگی
امیر کبیر، محمود حکیمی

گریه امیر

نوع نثر: ساده و روان



معنی واژه به ترتیب سطرها

خرافات: باورهای ناشی از نادانی و ترس از امور ناشناخته
واکسینه شدن: ایمن شدن در برابر یک یا چند بیماری عفونی از طریق واکسن زدن.
از قضا: اتفاقاً
ماجرای: اتفاق، حادثه
رسا: بلند، واضح
خطاب: مخاطب قرار دادن کسی، با کسی سخن گفتن
حقیقی: واقعی

امیر: حاکم، فرمانده
نامدار: معروف، مشهور
ذکاوت: تیزهوشی
بر سر زبان بودن: کنایه از معروف و مشهور بودن
آبله: نوعی بیماری واگیر که به صورت تاول روی پوست بدن ظاهر می شود
شیوع: همه گیر شدن، آشکار شدن، فاش شدن

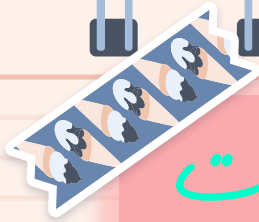
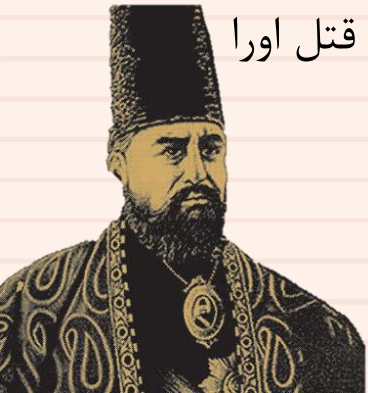
تاریخ ادبیات

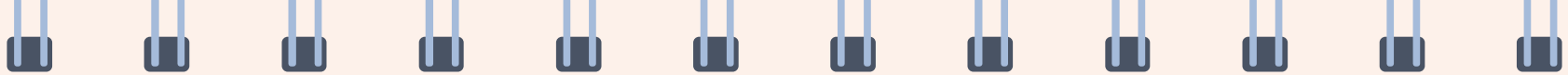
امیر کبیر، میرزا تقی خان (صفحه ۱۳۴):

مقتول به سال ۱۲۶۸ هـ. ق) وی از بزرگترین مردان سیاسی دوره قاجاریه است. پدرش آشپز قائم مقام بود و

میرزاتقی خان نیز در خاندان قائم مقام تربیت یافت و در جوانی وارد دستگاه ولیعهد تبریز شد. پس از چندی سرپرستی ولیعهد به او سپرده شد. در تهران به صدراعظمی ناصرالدین شاه رسید. با اصلاحاتی که انجام داد،

مخالفان او از پای ننشستند تا شاه را برکناری او و تبعید وی به کاشان و صدور حکم قتل او را وادار کردند.

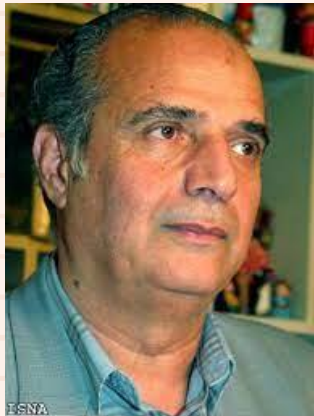
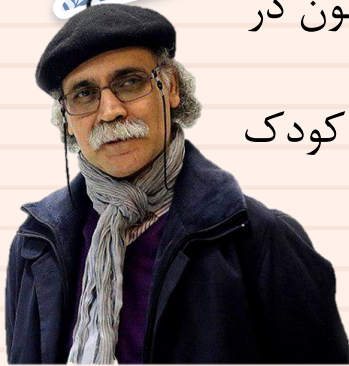


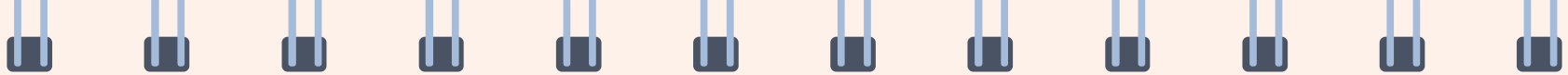


حسن زاده، فرهاد (صفحه ۵۱۳): وی در سال ۱۳۴۱ در آبادان به دنیا آمد و اکنون در تهران ساکن است. در هفته نامه «دوچرخه» (ضمیمه نوجوان روزنامه همشهری) مسئول صفحه های ادبیات و طنز و از اعضای هیئت مؤسس انجمن نویسندگان کودک و نوجوان است.



حکیمی، محمود (صفحه ۵۱۳): حکیمی از جمله نویسندگان و پژوهشگرانی است که عمر خود را وقف پژوهش و مطالعه در حوزه معارف اهل بیت کرده است. از آثار او میتوان به: «زندگانی حضرت زینب»، «سیرت و شخصیت حضرت محمد»، «زندگانی حضرت امام حسین»، «داستانهای آموزنده برای کودکان»، «آموزش کودکان نابینا» و «حس ششم» اشاره کرد. همچنین در حوزه داستان، «وجدان»، «به سوی ساحل» و «پیام آور محبت» از آثار اوست.





سینا، ابوعلی (صفحه ۱۳۶): (۴۲۸ - ۳۷۰ هـ.ق) از دانشمندان بنام قرن چهارم و پنجم است. در بخارا کسب علم کرد و در ده سالگی قرآن را از حفظ داشت. در جوانی پادشاه سامانی - نوح بن منصور - را معالجه کرد و از کتابخانه گران بهای او بهره ها برد. در سفری در همدان در راه بیمار شد و در آن شهر درگذشت از آثار او میتوان به کتابهای شفا و قانون و نیز دانشنامه علایی اشاره کرد.



قائم مقام فراهانی (صفحه ۱۳۸): ادیب، منشی و شاعر دوره قاجار؛ وی در نظم و نثر فارسی تبخّر داشت و «ثنایی» تخلص میکرد. کوشش های بسیار وی برای اصلاح ایران موجب حسادت عده ای از جمله میرزا آقاسی شد و بدگویی بدخواهان شاه قاجار (محمدشاه) را برانگیخت تا او را به باغ نگارستان تهران احضار کرد و وی را در آنجا خفه کردند. مجموعه نوشته ها و انشاهای قائم مقام فراهانی به نام منشآت است. قائم مقام در نوشتن این اثر، از شیوه گلستان سعدی پیروی کرده است.



خودارزیابی



۱- پرسش های قائم مقام فراهانی برای آزمایش فرزندانش چه بود؟

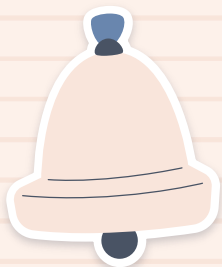
پاسخ: این شعر از کیست؟ ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد/دل رمیده ی ما را انس و مونس شد/ کاشف الكل که بود؟




۲- ویژگی های مشترک امیر کبیر و قائم مقام فراهانی چیست؟

پاسخ: هر دو به مقام صدر اعظمی رسیدند. آنها باهوش و ذکاوت بودند و با تلاش و کوشش خود به دانش و مقام بالایی دست پیدا کردند. آنها توانستند با جهل موجود در جامعه مبارزه کنند.


۳- فرمات قائم مقام فراهانی و امیر کبیر به ایران چه بوده است؟

پاسخ: قائم مقام قراردادهای مهم و بسیار ارزشمندی برای ایران بست. امیر کبیر برای اولین بار مدرسی به نام دارالفنون که شبیه به مدارس حال بود تاسیس کرد. گروهی از دانشجویان را برای تحصیل به خارج از کشور اعزام کرد و جلوی ریخت و پاش درباریان را گرفت.





ممنونم از نگاه
های زیباتون!:



امیدوارم بهره کافی و لذت رو برده باشید
پ.ن: اگر نبرده باشید من میدونم و شما

